

به نام خداوند که به ما علم قلم آموخت  
علم و علمیت اسلامی در جهان امروز  
دکتور محمد فرید یونس

یکی از سوالات عمده که در جامعه قرن بیست و یکم مطرح است رابطه قرآن با علم امروزی است و همچنان شناخت عالم در جهان امروز است. و این سؤال در جامعه قرن بیست و یکم مطرح است که ما چطور میتوانیم قرآن را با یک دید جدید ببینیم و مشخصات یک عالم در جهان امروز چه است و ما چطور میتوانیم در قافله تمدن امروزی جایگاه خود را باز کنیم زیر بنای دین مبین اسلام علم است. اولین وحی که از جانب خداوند به پیامبر (ص) فرستاده شد «اقرأ» بود یعنی (بخوان). بعد ها پیامبر کریم (ص) فرمود: «اولین شیء را که خدا هست کرد، قلم بود». آیه قرآن مجید و حدیث مبارک پیامبر کریم (ص) به ما می‌رساند که زیر بنای دین اسلام علم و معرفت است. به اساس همین دو تذکر قرآنی و نبوی که در بالا نام بردیم، شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری در اشعار خود چه زیبا گفت که: «چو شمع از پی علم باید گذاخت -- که بی علم نتوان خدا را شناخت». قرآن مجید به علم و دانش تأکید زیاد دارد و همین باعث شد که مسلمانان سرمدار علم و معرفت در قرون وسطی باشند. قرآن مجید مردم را به آموختن علم دعوت میکند و می‌گوید «و قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» یعنی الهی بر دانش من بیفزای (سوره طه آیه 114). و این علم تنها از یاد کردن قرآن و اصول فقه و چند حدیث نیست. وقتی که قرآن از علم بحث می‌کند همه علوم جهان هستی را پیشکش می‌کند. خداوند بعد از تقوی مردم را به علمیت شان می‌شناسد. در سوره الزمر آیه نهم می‌خوانیم «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» یعنی (بگو آناینکه علم دارند و آناینکه نه علم ندارند، برابرند) در کتاب «مسیر جویبار تمدن» اثر دو دانشمند آمریکایی

Joseph R. Stayer and Hans W. Gatzke

می‌خوانیم که از 900 الی 1200 میلادی مهم‌ترین تحقیقات علمی در همه نقاط جهان در ریاضی، علم نجوم، فزیک، طب، و جغرافیه در ممالک اسلامی صورت گرفته است. کتاب های زیادی در مورد علم و قرآن در سطح جهانی به دسترس علاقمندان کتاب قرار گرفت که اسلام علمی را به جهانیان معرفی نمود که از آن جمله از سه کتاب بطور نمونه یاد آور می‌شویم: اول کتاب «بایبل، قرآن و ساینس» اثر یک دانشمند فرانسوی است که راز های علمی قرآن را با مقایسه به کتاب مقدس عیسویان یعنی بایبل که شامل عهد عتیق و جدید یعنی تورات و انجیل می‌باشد، افشا می‌کند. درین کتاب به وضاحت تصریح شده است که قرآن با تمام معنی یک کتاب علمی است و به اساسات ساینس امروزی استوار است. این کتاب از لسان فرانسوی به لسان انگلیسی ترجمه شده است و خواندن آن برای هر مسلمان لازمی است. کتاب دوم «هزار و یک اختراع: میراث اسلام در جهان ما» است که درین کتاب محققین نشان داده‌اند که مسلمانان بودند که باعث بسیاری از اختراعات و اکتشافات در عرصه علوم شدند. به اساس همین کتاب بود که دانشمندان آمریکایی یک نمایشگاه اسلامی را زیر عنوان امداد تمدن اسلامی در جهان ساینس در آمریکا به نمایش گذاشتند که این محقق آنرا در «تک موزیم» شهر سن هوزی دیدار کردم. کتاب «هزار و یک اختراع» به لسان انگلیسی به نشر رسید و برای همه مخصوصاً نوجوانان که در کشور های غربی بزرگ می‌شوند مطالعه آن حتمی است. کتاب مذکور رسم ها و تصاویر جالب از تاریخچه ساینس دارد که برای جوانان خیلی دلچسپ است. کتاب سوم را که درین نوشتار خدمت شما دوستان طور نمونه

معرفی می‌کنیم توسط یک دانشمند مسلمان تونسی محمد یاسین قصاب به لسان فرانسوی زیر عنوان «هزار حقیقت علمی قرآن مجید» تقدیم اسلام شناسان گردیده و به همت استاد گرانیپایه فرمولوژی و نباتات طبی افغانستان جناب پروفیسور محمد شفیق یونس به لسان فارسی/دری بر گردانده شد و توسط نشرات بامیان در کشور فرانسه در سال 2007 به زیور چاپ آراسته گردید. این کتاب واقعاً شگفت‌انگیز است و انسان را به حیرت می‌اندازد وقتی که ما مطالب را میخوانیم که قرآن 1400 سال قبل به آن اشاره کرده و امروز مورد بحث دانشگاه‌های امروزی جهان معاصر است. و می‌آموزیم که دانشمندان اسلام به چه حد پیشرفته بودند. دلیل روشنگری دانشمندان اسلام در گذشته‌های دور این بود که همه موضوعات را با عینک توحید می‌دیدند مطلب مهم که درین کتاب‌ها میخوانیم اهمیت ساینس در رابطه با توحید است که اسلام منحیث یک دین توحیدی همه جهان انسانی، طبیعی و فزیکی را به هم ارتباط میدهد و از نگاه علوم ارتباط دارد. همه نظام هستی با هم یک بافت دارد و از هم مجزا نیست و انسان جزء همین نظام است. وقتی که قرآن می‌گوید «الیوم اکملت لکم دینکم» (سوره مائده آیه سوم) یعنی ما این دین را امروز برای شما تکمیل کردیم؛ درین دو مطلب مهم نهفته است اول اینکه درین دین هیچ کمی و کمبودی نیست و همه مطالب برای بشریت بیان شده است. دوم ساینس و دین، اقتصاد و دین، سیاست و دین، خانواده و دین، حقوق و دین، محیط زیست و آلودگی هوا و دین، طب و دین، همه و همه با هم ارتباط مستقیم دارد و از هم مجزا نیست. و همه مطالب در قرآن مجید نه تنها که از هم جدا نیست بلکه همه مطالب احاطه علمی دارد. قرآن می‌گوید «وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» یعنی و بدانید که خداوند همه چیز را به اساس علم احاطه کرده است. (سوره طلاق آیه 12) اینکه بعضی اوقات شما می‌شنوید که مذهب‌یون می‌گویند داکتر طب عالم دین نیست و نباید در کار علما دخالت کند و یا یک ساینست نباید در کار دین دخالت کند، نادانی خود را از توحید بیان میکنند و فکر میکنند که علوم از هم مجزا است در حالیکه بینش توحید به ما می‌آموزاند که همه علوم در احاطه خداوند است و هیچ موضوع در زندگی انسانی از هم جدا نیست و توحید یعنی که خدا یکی است، انسان یکی است، علم یکی است و جهان هستی یکی و یگانه است و این توحید محض است. دانشمندان اسلام در گذشته از طریق قرآن به دیگر علوم دست یافتند نه اینکه از طریق علوم به قرآن دسترسی حاصل کرده باشند. و دانشمندان اسلامی هم به ریاضات و علم نجوم سر و کار داشتند و هم به قرآن

موضوع مهم دیگر که درین نوشتار پیشکش اهل علم و فرهنگ می‌کنیم شناخت عالم است. عالم امروز متأسفانه عالم توحیدی سالهای 900 میلادی نیست. عالم امروز اگر عالم ساینس و سیاست و حقوق و اقتصاد و خانواده و طب است اکثرآیه قرآن دسترسی ندارد و اگر به قرآن دسترسی دارد اکثرآیه به دیگر علوم دسترسی ندارد. این یک مشکل عمده را در جامعه مسلمان به بار آورده است. زیرا عالم ساینس و عالم دین از دید توحید هیچکدام عالم نیستند زیرا توحید را از یگانگی آن در امور زندگانی بیرون کشیده‌اند. عالم در اسلام از نگاه علمی وقتی عالم است که همه علوم را مانند توحید با یک ساخت و بافت ببینند نه جدا از هم. عالم آن است که ساینس را از دید توحید می‌بیند و عالم دین آن است که دین را از دید ساینس می‌بیند. امروز می‌بینیم تفاهم بین شخص علمی و شخص مذهبی وجود ندارد. هستند یک عده دانشمندان ساینس که دین را از دید توحید می‌بینند و اما جالب است که مردم مذهبی که باید زیاد تر توحیدی باشند مغایر توحید عمل میکنند.

بار بار در برنامه‌های تلویزیونی به مردم می‌گویند آیا شما مریض می‌شوید نزد دکتور معالج رجوع می‌کنید و یا انجنیر؟ و علاوه می‌کنند دکتور طب کار خود را می‌کند و اما شما در امور دین باید از عالم دین سؤال کنید. این طرز تفکر خارج شدن از توحید است. معنی این سخن این است که طبیب باید به قرآن و تدریس قرآن خود را دخیل نسازد. و یا عالم دین در دیگر علوم به جز از تلاوت قرآن و ارائه چند حدیث به دیگر علوم کاری نداشته باشد. جالب اینکه ما امروز در آمریکا دانشمندان داریم که در علوم ساینس و طب و جامعه‌شناسی و انجنیری تخصص دارند و عالم دین هم هستند. اما ما یک عالم دین که در دیگر علوم دسترسی داشته باشد نداریم که این مغایر آموزش و پرورش اساسات علوم اسلامی و توحیدی است. و عالم دین فکر کرده همین که آیات قرآن را با چند حدیث و اینکه فقها در موارد مختلف چه گفته‌اند دانست و آموخت، عالم دین شده است. چون مذهبی به دیگر علوم علاقمندی ندارد و فکر میکند که کار او تنها اصول فقه و حدیث و قرآن است، به تحقیقات جدید هم، نه اعتقاد دارد و نه احترام دارد. و این باعث عقب‌گرایی مسلمانان شده است زیرا آن کسیکه قدرت اجتماعی را در دست دارد که شخص مذهبی باشد قادر نیست نسل امروز را رهنمایی کند زیرا توحید علمی را مذهبی نه می‌داند و خودش خود را به اصطلاح گوشه گرفته است. یک دلیل پسمانی دیگر مسلمانان همین است که مسلمانان از توحید علمی خارج شده‌اند. و باید یاد آور شد که وهابی‌ها درین راه تکه و پارچه ساختن توحید بسیار پیشقدم هستند. آن‌ها به هیچ‌نورم علمی اعتقاد ندارند و از همین سبب است که از خیرات محمد ابن عبدالوهاب عربستان سعودی در ساحه علم از پسمانده‌ترین کشور های جهان است و حتی یک تحقیق علمی در آنجا صورت نه گرفته است. و همه کوشش‌شان این است تا دین را از کفر و بدعت سچ‌سازند و بس. و برای این کار باید هزاران نفر را به قتل برسانند. نتیجه اینکه بزرگترین تحقیقات علمی در مورد اسلام در خارج از قلمرو مکه و مدینه صورت می‌گیرد. جالب این است که در گذشته هم، بزرگترین دانشمندان اسلام خارج از مکه و مدینه عرض اندام کردند.

عالم مسلمان از عالم غیر مسلمان تفاوت دارد. قسمیکه گفتیم عالم مسلمان اول همه زندگی را از دید توحید می‌بیند خواه این عالم طب باشد و خواه علوم اجتماعی و خواه ساینس. در اسلام توحیدی که قرآن پیشکش جهانیان کرد همچو چیزی به نام «عالم دین» تنها وجود ندارد. قرآن از عالم سخن می‌گوید تنها عالم قرآن نیست. و این عالم باید یک دسترسی همه‌جانبه داشته باشد و در یک رشته تخصص داشته باشد و همچنان عالم اجتماعیات و دیگر علوم بدون درک و فهم توحید وجود ندارد. عالم مسلمان باید مانند ابن‌سینا و ابن‌خلدون توحیدی باشد در غیر آن از دید اسلام، عالم شمرده‌نه میشود. عالم دین باید در مورد اقتصاد، سیاست، مسایل ساینس، السنه خارجی همه و همه مطالعه داشته باشد. تنها با از بر کردن چند آیه قرآن و چند حدیث نه میتوان شخص را عالم گفت. عالم مسلمان مستقل می‌باشد و از عقل و فکر خود کار می‌گیرد نه اینکه به عقل و فکر دیگران اتکا کند. این یک دلیل دیگر پسمانی مسلمانان است که همیشه به متون قدیم رجوع میکنند. در اثر پیشرفت سریع علوم و تکنالوژی عصر امروز بسیاری مطالب را برای ما تشریح میکند و اما ما بی‌خبر هستیم

عالم مسلمان به تحقیقات جدید رجوع میکند و در موضوعات قرآن تتبع میکند و کوشش می‌کند از قرآن چیزی جدید بیاموزد

عالم مسلمان برای فهم قرآن به لغت‌شناسی عربی رجوع میکند نه اینکه همیشه از مفسرین گذشته

نقل قول کند. امروز ساینس برای شناخت بهتر قرآن زیاد کمک میکند. چون عالم دین خودش تحقیق نه میکند و به تحقیقات جدید هم اعتقاد ندارد، پس نه می‌تواند یک موضوع جدید را مطرح کند نتیجتاً مردم مسلمان در تنگنای فکری و عقب ماندگی قرار گرفته است. همیشه به گفتار گذشتگان رجوع میکنند در حالیکه مسایل در اثر به وجود آمدن میکروسکوپ و دیگر آلات تحقیقاتی در تحقیقات علمی فهمیده شده که یک انگاشت و پدیده معنی و مفهوم جدید دارد. طور مثال «علق» را خون بسته در گذشته تفسیر کرده‌اند و اما امروز در روشنی علوم ساینس و تحقیقات ما می‌بینیم که «عَلَقُ» (سوره علق آیه 2) خون بسته معنی نه میدهد. خون بسته یک جسم مرده است و ساینس برای ما می‌گوید که علق مرده نیست و یا «فَرَثُ» (سوره نحل آیه 66) را سرگین ترجمه کرده اند!! در حالیکه امروز ساینس به شواهد دقیق برای ما اصل معنی این آیات را می‌رساند که سخن از آیه جهاز هاضمه است نه سرگین. مطالعات دقیق علوم به ارتباط ساینس ما را نه تنها به قرآن نزدیکتر می‌سازد ما را مسلمانان متجدد می‌سازد که به دین خود فخر می‌کنیم. چون عالم دین به علوم جدید دسترسی ندارد از جهان پیشرفت علوم بی‌خبر است و نتیجه اینکه چون لسان بین‌المللی را که زیادترین تحقیقات در آن صورت می‌گیرد نه میداند پس از نگاه علمی مطالب عمده که در دین تحقیق شده است دسترسی ندارد. هیچ‌چیز نخواهد بداند و حتی در یک فراموشی خود آگاه از نگاه روانشناسی قرار گرفته است که علم در پیشرفت است. حتی آیه قرآن را در مورد پیشرفت علوم نادیده می‌گیرد. ببینید که در مورد پیشرفت علوم قرآن چه قشنگ می‌گوید

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و اگر آنچه درخت در زمین هست، قلم شود، و دریا [چون مرکب باشد] سپس هفت دریا به آن مدد برساند، کلمات الهی به پایان نرسد که خداوند پیروزمند فرزانه است

درین آیه فوق می‌بینیم که خداوند به ما می‌گوید که کلام او به پایان نرسد و مقصد آیه این است که خلقت خود را تجدید میکند و علم ایستادگی ندارد. همینکه خلقت ایستادگی ندارد و خداوند هر روز خلق میکند و می‌میراند و به حیات نباتات و ستارگان دو باره تجدید حیات می‌بخشد در فلسفه اسلامی او کیژنلیزم نامیده می‌شود

دین اسلام از نگاه جامعه‌شناسی وقتی برای یک شخص مطرح می‌شود که او را هر روز به ترقی و پیشرفت و آگاهی سوق دهد و این نیت است که خداوند برای انسان داشته است. اما چون عالم بیخبر از جهان است. به علوم دسترسی ندارد. نتیجه آن تعصب تنگ نظری و تبعیض به نام دین است در حالیکه دین اسلام پاکیزه از همه بدی‌ها است. در همه نشرات اسلامی ما هنوز هم بعد از چهارده سال میخوانیم که چطور وضوء ما می‌شکند و یا نماز تهجد چند رکعت است و یا امثال این سوالات که نه ما را مسلمان تر می‌سازد و نه کمتر مسلمان. نه در مسجد و نه در نشرات سخن از اسلام توحیدی و علمی نیست. سخن این است که ما باید هر روز توبه کنیم و هر روز استغفار کنیم و هر روز دیگران را مستقیم و غیر مستقیم محکوم به کفر کنیم

حضرت رسول کریم فرموده است که «من برای تکامل مکارم اخلاق آمده‌ام». پس عالم اخلاق بلند می‌داشته باشد. مردم را به کفر محکوم نه میکند. مردم را توهین نه می‌کند. عقاید دیگران را احترام میکند. دین را بالای مردم تحمیل نه میکند و مردم را ریشخند نه می‌کند. حقایق را بیان میکند. جانبداری‌های سیاسی نه می‌کند زیرا عالم تنها برای خدا کار میکند. مذاهب دیگر را احترام

می‌کند و بلاخره عالم تواضع می‌داشته باشد. تواضع این نیست که عالم خاموشی اختیار کند. برعکس باید قد اعلم کند و اما صریح قاطع و مستقیم باشد و از مردم نترسد. دو رویه نباشد. دل و زبانش یکی باشد تا مردم به او اعتماد کنند

نتیجه اینکه زندگی اسلامی ما به چالش بزرگ قرار گرفته است زیرا اکثریت دانشمندان و آنانیکه در راه دین کار میکنند علم را از ساحه توحید بیرون کشیده‌اند و فکر میکنند که توحید یعنی خدا یکی است و بس. هیچ این سؤال را مطرح نه می‌کنند که سود اینکه خدا یکه و یگانه است به نسل بشر چه ارتباط دارد. آیا یگانگی خداوند تأثیر در زندگی انسانی من دارد و یا خیر؟ و اگر دارد من چگونه باید خود را درین نظام بزرگ هستی عیار کنم؟ و اگر ندارد چرا من خدای یگانه را باید پرستش کنم وقتی که یگانگی آن ذات اقدس الهی جزئی ترین نقش در زندگی من نداشته باشد

آگست 24 ، 2016

ایالت کلیفورنیا